

# **Protection of Third-Party Rights in Cases of Violations of Regulations on the Formation of Joint-Stock Companies in Iranian and English Law**

1. Somayeh Rahmani: PhD Student, Department of Private Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran
2. Mohammad Issaei Tafreshi\*: Professor, Department of Private Law, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. Email: tafreshi27@gmail.com (Corresponding Author)
3. Habib Ramezani Akerdi: Assistant Professor, Department of Law, Imam Khomeini International University, Tehran, Iran
4. Esmaeil Abbasi: Assistant Professor, Department of Law, Central Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran

## **ABSTRACT**

Ensuring the rights of third parties in joint-stock companies strengthens and stabilizes contracts, creates security and certainty in legal relationships, and facilitates better regulation of legal and social interactions among individuals. This study adopts a descriptive-analytical approach using library research to comparatively analyze the mechanisms for protecting third-party rights in cases of violations of regulations on the formation of joint-stock companies in Iranian and English law. Specifically, it examines how third-party rights are safeguarded when the regulations governing the formation of joint-stock companies in these legal systems are violated. In general, the legal consequences of violating the laws governing the formation of joint-stock companies in Iranian and English law include: (1) sanctions related to the non-formation or nullity of the company and (2) sanctions directed at individuals whose actions resulted in the failure to form the company or its nullity. In Iranian law, legal sanctions aimed at protecting third-party rights primarily involve the non-formation or nullity of the company. However, in English law, the primary mechanism involves the invalidation and nullification of the actions of individuals who have committed the violations. This difference in mechanisms is particularly significant following the extensive amendments introduced by the English legislator in the Companies Act 2006, which were implemented in response to contemporary economic needs and influenced by judicial precedent in that jurisdiction.

**Keywords:** *joint-stock company, third parties, company formation, Iranian law, English law.*

How to cite: Rahmani, S., Issaei Tafreshi, M., Ramezani Akerdi, H., & Abbasi, E. (2024). Protection of Third-Party Rights in Cases of Violations of Regulations on the Formation of Joint-Stock Companies in Iranian and English Law. *Comparative Studies in Jurisprudence, Law, and Politics*, 6(5), 88-105.

© 2024 the authors. This is an open access article under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International (CC BY-NC 4.0) License.

Submit Date: 23 November 2024  
Revise Date: 02 December 2024  
Accept Date: 21 December 2024  
Publish Date: 31 December 2024



پژوهش‌هاک تطبیقه فقه،

حقوق و سیاست

## حمایت از حقوق اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات تشکیل شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس

۱. سمیه رحمانی: دانشجوی دکتری، گروه حقوق خصوصی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران
۲. محمد عیسائی تفرشی\*: استاد، گروه حقوق خصوصی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. پست الکترونیک: tafreshi27@gmail.com (نویسنده مسئول)
۳. حبیب رمضانی آکردی: استادیار، گروه حقوق، دانشگاه بین المللی امام خمینی (ره)، تهران، ایران
۴. اسماعیل عباسی: استادیار، گروه حقوق، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

### چکیده

تضمین حقوق اشخاص ثالث در شرکت‌های سهامی، موجب تقویت و ثبات قراردادها، ایجاد امنیت و قطعیت در روابط حقوقی و تنظیم بهتر روابط حقوقی و اجتماعی اشخاص می‌گردد. پژوهش حاضر به صورت توصیفی - تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای و با هدف تحلیل سازوکارهای حمایت از حقوق اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات تشکیل شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس، به بررسی تطبیقی این موضوع می‌پردازد که چنانچه مقررات مربوط به تشکیل شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس، نقض گردد، از حقوق اشخاص ثالث چگونه حمایت می‌شود. به صورت کلی ضمانت اجرای نقض قوانین مربوط به تشکیل شرکت سهامی در حقوق ایران و انگلیس مشتمل بر: ۱- ضمانت اجرای عدم تشکیل یا بطلان شرکت، و ۲- ضمانت اجرایی است که متوجه کسانی که عدم تشکیل شرکت یا بطلان آن به اقدامات آنان باز می‌گردد، می‌شود. در حقوق ایران، ضمانت اجرای قانونی در راستای حمایت از حقوق اشخاص ثالث، غالباً سازوکار عدم تشکیل یا بطلان شرکت می‌باشد حال آن‌که در حقوق انگلیس، غالباً سازوکار عدم اعتبار و بطلان اقدامات اشخاص متخلف، اعمال می‌گردد. این اختلاف در سازوکار به خصوص پس از تغییرات گسترده‌ای که قانون‌گذار انگلیسی در قانون شرکت‌ها در سال ۲۰۰۶ و با توجه به نیاز روز اقتصاد و تحت تأثیر رویه قضایی آن کشور اعمال نمود، چشمگیر است.

واژگان کلیدی: شرکت سهامی، اشخاص ثالث، تشکیل شرکت، حقوق ایران، حقوق انگلیس.

نحوه استناددهی: رحمانی، سمیه، عیسائی تفرشی، محمد، رمضانی آکردی، حبیب، و عباسی، اسماعیل. (۱۴۰۳). حمایت از حقوق اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات تشکیل شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلیس. پژوهش‌های تطبیقی فقه، حقوق و سیاست، ۶(۵)، ۸۸-۱۰۵.

© ۱۴۰۴ تمامی حقوق انتشار این مقاله متعلق به نویسنده است. انتشار این مقاله به‌صورت دسترسی آزاد مطابق با گواهی (CC BY-NC 4.0) صورت گرفته است.

تاریخ ارسال: ۳ آذر ۱۴۰۳

تاریخ بازنگری: ۱۲ آذر ۱۴۰۳

تاریخ پذیرش: ۳۰ آذر ۱۴۰۳

تاریخ چاپ: ۱۰ دی ۱۴۰۳



با تغییر فضای اقتصاد از بازارهای سنتی به بازار آزاد و افزایش امکان تجارت به نقاط مختلف دنیا، نیاز به تشکیل شرکت‌های تجاری بین جوامع مختلف، خصوصاً از نیمه قرن شانزدهم میلادی بیشتر حس شد. بر همین اساس آنچه به دنبال افزایش امکان دسترسی به بازارهای مختلف پدید آمد، رشد رقابت و کاهش انحصارگرایی شد. در این میان شرکت‌های سهامی و علی‌الخصوص شرکت‌های سهامی عام، هرچه در جوامعی که از نظام‌های اقتصادی پویاتری برخوردارند شکل گرفته و فعالیت کنند، اثر پررنگ‌تری در مدیریت اقتصاد و توسعه آن جوامع می‌گذارند؛ به نحوی که در جهان امروز شرکت‌های چند ملیتی در گستره سیاست جهانی و داخلی نقش تعیین‌کننده‌ای را ایفا می‌کنند. مسلماً این آثار علی‌الخصوص از جنبه حقوقی بر مبنای استوار است که با پژوهش در جنبه‌های مختلفی همچون تاریخ حقوق، جامعه‌شناسی حقوق، تحلیل اقتصادی حقوق و ... شناخته می‌شود. بنابراین برای شناخت درستی از حقوق اشخاص ثالث در هر مرحله از حیات شرکت‌های سهامی ناگزیر هستیم که اصولی که در آن مرحله یا فعالیت شرکت سایه انداخته را مورد شناسایی و تحلیل قرار داده تا جایگاه این اصول را در حمایت از حقوق اشخاص ثالث بیابیم. بررسی سوابق تاریخی تشکیل شرکت در دو کشور ایران و انگلستان حکایت از آن دارد که در انگلستان، ایجاد شرکت با اذن پادشاه بوده و در ادامه با اعتراضات مردمی و گذر زمان، آرام آرام مردم توانستند به دور از نظر و تصمیم مستقیم پادشاه اقدام به تشکیل شرکت بنمایند. در کشور ایران نیز تا پیش از تأسیس به قوانین خارجه نظیر روسیه و در ادامه فرانسه، مفهوم شرکت تجاری و به تبع آن شکل‌گیری شخصیت حقوقی در ایران نیز شکل گرفت که در قانون تجارت مصوب ۲۵ دلو ۱۳۰۳ مشاهده می‌شود و در ادامه در سال ۱۳۰۴ شمسی قوانین دیگری نیز به تصویب رسید که در آن‌ها به وضعیت شرکت تجاری اما به اختصار در خصوص شرکت سهامی، پرداخته شده است. به مرور زمان، قوانین متعددی در خصوص تشکیل و نحوه ثبت شرکت‌ها در دو کشور ایران و انگلیس به تصویب رسید که در حقوق ایران، قطعاً قانونی که بطور مشخص در خصوص شرکت‌های تجاری وضع شد، قانون تجارت مصوب ۱۳۱۱ است که بطور مستقیم به شرکت‌های تجاری پرداخته و در ادامه بواسطه لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ تکمیل گردید. البته لایحه قانونی اخیرالذکر فقط در خصوص شرکت‌های سهامی است و سایر شرکت‌ها در سیطره همان قانون سال ۱۳۱۱ ماند. از جمله دیگر قوانین و مقرراتی که در این خصوص تصویب شده باید به قانون راجع به ثبت شرکت‌ها مصوب خرداد ۱۳۱۰، نظامنامه اجرای قانون ثبت شرکتها مصوب ۱۳۱۰، قانون بازار اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، دستورالعمل ثبت و عرضه عمومی اوراق بهادار مصوب ۱۳۸۴، قانون توسعه ابزارها و نهادهای مالی جدید در راستای تسهیل اجرای سیاست‌های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی مصوب ۱۳۸۸ اشاره نمود. همچنین اشتغال به بعضی فعالیت‌های خاص تجاری همچون عملیات بانکی و بیمه‌ای نیز در قوانین دیگر مانند قانون پولی و بانکی سال ۱۳۵۱ و قانون تأسیس بیمه مرکزی ایران و بیمه‌گری مصوب ۱۳۵۰ منحصرأ از طریق تأسیس شرکت سهامی و فعالیت در این قالب ممکن است. در حقوق انگلیس نیز می‌توان به قانون شرکت‌ها مصوب ۱۹۸۵ و ۲۰۰۶ اشاره داشت. به موجب قوانین مذکور، تشکیل شرکت سهامی، کاملاً بسته به انجام یکسری اقدامات تشریفاتی و اجرایی است. اقدامات تشریفاتی و اداری تشکیل شرکت، کاملاً در جهت رعایت حقوق مردم، مشتمل بر افرادی که قصد تجارت با شرکت را دارند (اشخاص ثالث)، سهامداران خود شرکت و جلوگیری از بروز بحران‌های اقتصادی است. پرسشی که در پژوهش حاضر به آن پاسخ داده خواهد شد این است که، چنانچه مقررات راجع به تشکیل شرکت‌های سهامی در حقوق ایران و انگلستان مورد نقض قرار گیرد، از چه طریقی و با چه سازوکاری حقوق اشخاص ثالث مورد حمایت قانون‌گذار قرار گرفته است؟

## ۱- جایگاه حمایت از حقوق اشخاص ثالث در اصول حاکم بر فرآیند تشکیل شرکت‌های سهامی

### در حقوق ایران

اگرچه اصل بر ممنوعیت دخالت دولت در تشکیل شرکت‌های سهامی است، لکن قانون‌گذار برای حمایت از حقوق اشخاص ثالث و تأمین امنیت اقتصادی و با توجه به مؤلفه‌های حاکم بر فضای اقتصاد و تجارت ایران، نظارت را به عنوان یک اصل کلی در این فضا و فرآیند تشکیل شرکت سهامی در مقررات مختلف به رسمیت شناخته است. جایگاه این اصل در حمایت از حقوق اشخاص ثالث در قالب الزاماتی که قانون‌گذار در قوانین مختلف در خصوص تشکیل شرکت‌های سهامی مقرر نموده، مشهود است. آنچه از مقررات فرآیند تشکیل شرکت بر می‌آید این است که نظارت به صورت بیرونی و با محوریت دولت انجام می‌شود (Saghri, 2022).

در مواد ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۳ و ۲۰ از لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت و مفاد بندهای مختلف ماده ۶ دستورالعمل ثبت و عرض عمومی اوراق بهادار (دستورالعمل موضوع تبصره ماده ۲۲ قانون بازار اوراق بهادار)، مؤسسين باید در بیانیه ثبت، اظهارنامه ارائه شده به اداره ثبت شرکت‌ها، طرح اساسنامه، اعلامیه پذیرهنویسی و ورقه تعهد سهم را اطلاعاتی را در اختیار متقاضی پذیرهنویسی بگذارند که در حقیقت این الزامات ناشی از اصل شفافیت بوده و قانون‌گذار با هدف حمایت از حقوق اشخاص ثالث و با رویکردی پیشگیرانه برای عدم رعایت این اصل و تخطی از آن ضمانت اجرای مدنی و کیفری پیش‌بینی کرده است (Soltani, 2021). بنابراین این اصل و رعایت دقیق آن اثر مستقیم در حفظ و حمایت از حقوق اشخاص ثالث دارد؛ چرا که غیرواقعی بودن سرمایه شرکت بدون شک موجب فریب ثالث و زمینه‌ساز ضرر به او می‌گردد.

از طرف دیگر برای آنکه بتوان از حقوق اشخاص ثالث به نحو مناسبی در زمان تشکیل شرکت و پیش از مستقل شناخته شدن شخصیت شرکت از شرکاء، حمایت نمود، رعایت تشریفات در تشکیل شرکت از اصول حاکم در این مرحله هست. به طور کلی به موجب ماده ۲۷۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت: «هرگاه مقررات قانونی در مورد تشکیل شرکت سهامی یا عملیات آن یا تصمیماتی که توسط هر یک از ارکان شرکت اتخاذ می‌گردد، رعایت نشود، بر حسب مورد بنا به درخواست هر ذینفع بطلان شرکت یا عملیات یا تصمیمات مذکور به حکم دادگاه اعلام خواهد شد. لیکن مؤسسين و مدیران و بازرسان و صاحبان سهام شرکت نمی‌توانند در مقابل اشخاص ثالث به این بطلان استناد نمایند»، اصل تشریفات بودن شرکت‌های سهامی در تمام طول حیات آنان به شکل نصی آمرانه، مورد بیان قانون‌گذار قرار گرفته است. با در نظر گرفتن مواد ۷۴ و ۷۵ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، اصل دیگری که در این جا می‌توان به آن اشاره نمود، اصل مشارکت است که سنگ‌بنای مفهوم شرکت محسوب می‌شود. اصل مشارکت در فرآیند تشکیل شرکت سهامی در جایی که تشکیل شرکت، منوط به تصویب در مجمع عمومی مؤسسين با رعایت حد نصاب لازم می‌شود، نمود می‌یابد. در این زمان و در تصویب اساسنامه شرکت، مسائل مربوط به چگونگی کنترل و اثرگذاری سهامداران در فعالیت‌های مدیریتی شرکت و تعیین انواع مختلف سهام طرح می‌شود که جز با رعایت حقوق ناشی از اصل مشارکت، قانون‌گذار مصوبه مربوطه را معتبر نمی‌شمارد.

یکی دیگر از اصولی که به‌طور اختصاصی بر فضای حقوق شرکت‌های سهامی ایرانی از زمان تأسیس تا انحلال و پایان تصفیه سایه می‌اندازد، اصل حرفه‌ای بودن شرکت‌های سهامی است. منظور از حرفه‌ای بودن به سازماندهی مخصوصی که این شرکت‌ها از بدو تأسیس، اداره، نحوه معاملات و زوال شخصیت حقوقی دارند، باز می‌گردد. ریشه این اصل به تاریخچه ابداع شرکت‌های سهامی در حقوق تجارت انگلستان باز می‌گردد. شرکت‌های سهامی را در آن زمان، شرکت‌هایی می‌دانستند که چون سازماندهی و تقسیم وظایف داخلی دارند، بیشتر مورد اعتماد سرمایه‌گذاران و دولت بودند. زیرا نتیجه منطقی سازماندهی حاکم مطلوب بر این شرکت‌ها، جلوگیری از حیف و میل و تضییع اموال شرکت

و نهایتاً از دست رفتن منافع سهامداران بود. پیش‌بینی مجمع عمومی مؤسس که صلاحیت اختصاصی در تشکیل شرکت دارد را می‌توان از نتایج این اصل حاکم بر فرآیند تشکیل شرکت سهامی شمرد که در حفظ حقوق پذیرهنویسان به عنوان اشخاص ثالث از اهمیت برخوردار است.

لزوم واقعی بودن سرمایه شرکت به عنوان یکی دیگر از اصول حاکم در فرآیند تشکیل شرکت به موجب ماده ۱۶ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، از وصف امری برخوردار بوده و چنانچه واقعی نبودن سرمایه شرکت در زمان ختم پذیرهنویسی به دلیل فقدان قصد پذیرهنویسان، صوری بودن پذیرهنویسی یا فقدان قصد ایفای تعهد ایشان، احراز گردد، حسب مورد علاوه بر بطلان پذیرهنویسی، امکان دارد به عدم تشکیل شرکت نیز منجر شود (Eskini, 2019).

اصل شفافیت در اجرای این اصل نیز اثر مستقیم دارد. از نتایج و آثاری که اصل لزوم واقعی بودن سرمایه شرکت در زمان فرآیند تأسیس شرکت سهامی بر جای می‌گذارد این است که متقاضیان پذیرهنویسی - که از جمله اشخاص ثالث محسوب می‌گردند - با در نظر گرفتن میزان سرمایه اولیه مد نظر مؤسسان، آورده‌های نقدی و غیرنقدی آنان و مطابقت این اوضاع با شرایط خود، دست به یک انتخاب آگاهانه در امضای قرارداد پذیرهنویسی شرکت می‌زنند. نتیجه این امر به عدم امکان انحلال این قرارداد جز در موارد مصرحه قانونی برای پذیرهنویس یا مؤسس منجر می‌شود. از جمله این موارد باید به تبصره ۴ از ماده ۲۳ قانون بازار اوراق بهادار اشاره کرد که در آن به دلیل عدم تکمیل فرآیند عرضه عمومی، لزوم عودت وجوه تأدیه شده از سوی پذیرهنویسان به آنان را مقرر نموده است. بنابراین اصل لزوم در فرآیند تشکیل شرکت سهامی یکی از اصول مؤثر در حمایت از حقوق اشخاص ثالث است (Soltani, 2021).

اصل عدم اثر قرارداد نسبت به ثالث، از جمله اصول پایه‌ای دیگری است که اثر آن در فرآیند تشکیل شرکت‌های سهامی نیز قابل مشاهده است. اساسنامه شرکت‌های سهامی به منزله قانون حاکم بر روابط داخلی این شرکت‌ها هستند. به همین منظور علاوه بر آنکه مفاد اساسنامه مانند سایر قراردادها در نظام حقوقی ایران نمی‌تواند مخالف با اخلاق حسنه، نظم عمومی و قواعد آمره باشد، به موجب اصل عدم اثر قرارداد نسبت به ثالث، چنانچه اساسنامه شرکت به گونه‌ای تنظیم شود که موجب قرار گرفتن تعهدی بر ذمه ثالث باشد، ممکن است موجبات بطلان اساسنامه شرکت و به طریق اولی بطلان شرکت به علت تشکیل شرکت بر خلاف مقررات قانونی را ایجاد نماید (Saghri, 2022).

## در حقوق انگلستان

بسیاری از اصولی که در جهت حمایت از حقوق اشخاص ثالث بر فرآیند تشکیل شرکت‌های سهامی سایه می‌اندازند، هم در ایران و انگلستان به شکل مشترکی دیده می‌شوند. لکن در مواردی به دلیل تفاوت نوع نظام حقوقی و حاکمیتی از تمایزاتی برخوردارند. در این قسمت تنها به بیان اصولی پرداخته می‌شود که در حقوق کشور انگلستان، به شکلی متفاوت بر حمایت از حقوق اشخاص ثالث تأثیر گذاشته یا اختصاصاً در این نظام قابل مشاهده بوده و در نظام حقوقی ایران وجود ندارد.

شناخت و بررسی مفاهیم حقوقی در مطالعه نظام‌های حقوقی مختلف باید با توجه به منابعی که پایه آن نظام را تشکیل می‌دهد، صورت پذیرد. با توجه به آنکه حقوق انگلستان بر اساس نظام کامن‌لا عمل می‌کند، اصول حاکم بر فرآیند تشکیل شرکت‌ها در این کشور را نیز تحت اثر خود قرار می‌دهد. مقررات قانونی، رویه قضایی و دکترین، منابع تشکیل دهنده مقررات حقوق شرکت‌های این کشور هستند. بسیاری از اصولی که در حقوق مدون این کشور تبیین می‌شوند از رویه قضایی منبث شده‌اند. در خصوص حقوق شرکت‌های سهامی نیز بسیاری از این اصول در قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ و سایر قوانین فعلی طرح شدند لکن رویه‌های قضایی با نمایش آنکه چگونه این اصول در عمل اعمال

می‌شوند، موجب توسعه این اصول شده‌اند. تمامی اصول حقوقی از ریشه‌های تاریخی برگرفته شده‌اند به همین دلیل برای کشف این اصول باید به منابع قدیمی‌تر مراجعه نمود. بر همین اساس بسیاری از مقرره‌هایی که در قوانین قدیمی‌تر بوده و در قانون جدید مقررهای بر نفی آن وجود ندارد، همچنان به عنوان اصول و مبانی مقررات جدیدتر معتبرند (McLaughlin, 2013).

اصل عدم مداخله دولت در اقتصاد، اصلی عام الشمول در نظام بازار آزاد دنیای روز تجارت جهانی است. لکن این اصل به معنای عدم نظارت نبوده و در هر حال کشورهای مختلف با هدف حفظ نظم عمومی و حمایت از حقوق اشخاص ثالث و تنها در چهارچوب قانونی مشخص اقدام به این امر می‌نمایند. تمایز اصل نظارت‌پذیری شرکت‌های سهامی در حقوق انگلستان را می‌توان از مرجع ثبت و ناظر بر فعالیت شرکت مشاهده نمود. مرجع ثبت شرکت‌ها در حقوق انگلستان با عنوان «خانه شرکت‌ها»، اداره‌ای است که زیرمجموعه وزارتخانه تجارت این کشور و از قوای مجریه آن محسوب می‌شود؛ به تعبیری در حقوق این کشور، اصل بر نظارت اجرایی بر شرکت‌های سهامی است. حالی که مرجع ثبت شرکت‌ها در نظام حقوقی ایران یعنی «اداره ثبت شرکت‌ها» زیرمجموعه قوه قضائیه بوده که این امر ناشی از حاکمیت اصل نظارت شبه قضایی بر شرکت‌های سهامی ایرانی است. در نتیجه در نظام‌هایی که اصل بر نظارت قضایی یا شبه قضایی است، اولویت با عناصر و ارکان قانونی می‌باشد و به تعبیری «عدالت» اصل است. ولی در نظام حقوقی که اصل بر نظارت اجرایی است، مصلحت و انصاف ملاک عمل قرار می‌گیرد. این بدیهی است که در کامن‌لای انصاف محور مانند انگلستان، نظارت اجرایی بر نظارت قضایی اولویت داشته باشد.

نمود اصل نظارت اجرایی در قانون شرکت‌های انگلستان مصوب ۲۰۰۶ در احکام مختلفی قابل تشخیص است. به عنوان مثال در تشویق سهامداران و اشخاص ثالث مرتبط با شرکت برای استفاده از مراجع داوری و میانجیگری در حل و فصل اختلافات خود با شرکت و به طور خاص در مورد اختلافات و اعتراضات ناشی از تعیین نام شرکت در فرآیند تشکیل و ثبت شرکت، ارجاع اختلاف به مرجع داوری آیین‌نامه داوری «نام شرکت‌ها و کسب و کارهای ۲۰۰۹» و سایر ابزارهایی که در این قانون به طور خاص برشمارده شده‌اند، تشویق سهامداران به استفاده از ابزارهای کنترل خود بر شرکت مانند برگزاری مؤثرتر جلسات مجامع از جمله تأثیرات این اصل بر تصویب قانون جدید بود (Hannigan, 2012).

از دیگر اصولی که پس از بازنگری در قانون شرکت‌های سال ۱۹۸۵ مورد توجه قانون‌گذار قرار گرفت، تمایز بین مقررات حاکم بر فرآیند تشکیل شرکت‌های سهامی خاص با عام بود. بیان شد که قانون‌گذار در مواجهه با شرایط استثنایی بحران مالی و رکود اقتصادی کشور، باید به تسهیل فرآیندهایی روی می‌آورد که امکان رشد بیشتر اقتصادی را فراهم می‌کنند. بر این اساس دولت باید مردم را به فرآیندهای اقتصادی بر مبنای مشارکت بیشتر تشویق می‌نمود و یکی از این موضوعات، تسهیل تشکیل شرکت‌های سهامی خاص بود. از طرف دیگر، دولت باید به دنبال حفظ شاخصه امنیت عمومی اقتصادی، آن دسته از شرکت‌هایی که با مراجعه به عموم مردم سرمایه خود را تشکیل می‌دهند یعنی شرکت‌های سهامی عام را بیشتر تحت نظارت قرار دهد (Dignam & Lowry, 2012).

بر همین اساس بود که آنچه در تغییر قانون جدید در مورد شرکت‌های سهامی خاص مورد توجه قرار گرفت این بود که اصل تشریفاتی بودن در فرآیند تشکیل شرکت‌های سهامی-علی‌الخصوص شرکت‌های سهامی خاص- باید محدودتر از اصل آزادی اراده اعمال شود. این مسئله در گزارشی که در سال ۲۰۰۱ توسط گروه بازنگری قانون شرکت‌های انگلستان منتشر کرد، این چنین نمود یافت که در قانون ۱۹۸۵، با جزئیات زیادی تنظیم شده، از زبان قانونی بسیار فنی استفاده شده، در تنظیم بعضی مسائل مانند سرمایه شرکت مداخله زیادی دارد؛ در حالی که در

<sup>1</sup> "Companies House"

بعضی مسائل مانند حدود وظایف مدیران و تشریفات مجامع شرکت‌های سهامی عام از ضمانت‌های اجرایی کافی بهره نبرده است. (McLaughlin, 2013).

یکی از نتایج این امر آن شد که شرکت‌های سهامی در قانون جدید بر خلاف سابق، نسبت به ذکر موضوع شرکت در اساسنامه مختار شدند. لکن شرکت‌هایی که در اساسنامه خود، موضوع شرکت را ذکر می‌کنند، منحصراً امکان فعالیت در موضوع مذکور را داشته و چنانچه خارج از موضوع، اقدام به فعالیت تجاری نمایند، مسئولیت محدود آن‌ها زایل خواهد شد و مسئولیت کامل پیدا خواهند کرد؛ چرا که فرض قانون‌گذار این است که مؤسسين شرکت‌های تجاری، اشخاص حرفه‌ای بوده و بر مبنای اراده و آگاهی خود اقدام به تنظیم اساسنامه و فعالیت شرکت می‌نمایند (Lowry & Reisberg, 2012).

از جمله سایر اصولی که بین وضعیت شرکت‌های سهامی عام با سهامی خاص در حدود وظایف این شرکت‌ها در نظام حقوق شرکت‌های انگلستان قابل مشاهده است، اصل شفافیت است. قانون‌گذار الزامات فراوانی را در فرآیند تشکیل و ادامه حیات شرکت‌های سهامی عام وضع نموده است به نحوی که تنها کمتر از ۳ درصد شرکت‌های سهامی این کشور به شکل سهامی عام تشکیل می‌شوند. یکی از اصولی که از اصل عام شفافیت در فضای شرکت‌های سهامی عام که در بازار اوراق بهادار لندن پذیرفته می‌شوند، ناشی شده و حاکم است، این اصل است که دارندگان اطلاعات حیاتی در مورد ارزش سهام، باید دقیقاً مطابق مقررات آمره مربوط به رعایت زمان مقرر در افشای اطلاعات عمل نمایند (Dignam & Lowry, 2012).

## ۲- موارد نقض مقررات راجع به فرآیند تشکیل شرکت‌های سهامی

### در حقوق ایران

از آنجا که ضمانت اجرای نقض قوانین مربوط به تشکیل و ثبت شرکت سهامی عام یا خاص، در هر مرحله از مراحل تشکیل و ثبت که باشند، عمدتاً در نظام حقوقی ایران بطلان آن است، شناخت موارد نقض مقررات راجع به فرآیند تشکیل شرکت‌های سهامی از اهمیت خاصی برخوردار است. موارد نقض مقررات راجع به فرآیند تشکیل شرکت‌های سهامی را می‌توان به جهات مختلفی تقسیم نمود. بر همین اساس موارد نقض مقررات تشکیل شرکت می‌تواند ناظر به عدم رعایت قواعد عام قانون مدنی در مبحث قراردادها باشد، مانند آنکه در اعلامیه پذیرهنویسی شرکت و سایر اسنادی که باید به سازمان بورس و اوراق بهادار و مرجع ثبت شرکت‌ها تحویل داده شود، برای کسب موافقت سازمان مذکور و مجوز ثبت مرجع مزبور، مندرجات خلاف واقع ذکر گردد که موجبات تدلیس پذیرهنویسان فراهم آید یا عدم رضایت یا اهلیت پذیرهنویسان احراز شود. هرچند ضمانت اجرای هر کدام از موارد با دیگری متفاوت است لکن امکان نقض این مقررات قابل تصور است (Eskini, 2019). گاهی نیز موارد نقض مقررات تشکیل شرکت، ناظر به عدم رعایت قواعد خاص تشکیل شرکت‌های سهامی است. مانند آنکه نصاب حداقلی شرکاء در شرکت‌های سهامی رعایت نشده باشد، نصاب حداقلی سرمایه در این شرکت‌ها-به تناسب شرکت سهامی عام حداقل ۵ میلیون ریال و سهامی خاص حداقل ۱ میلیون ریال-رعایت نشده باشد، عدم رعایت حداقل مبلغ تعهد سرمایه توسط مؤسسين و عدم سپردن حداقل ۳۵ درصد مبلغ تعهد شده (Eskini, 2019)، فقدان مندرجات مواد ۶ به بعد لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت در اعلامیه پذیرهنویسی سهام، اظهارنامه یا طرح اساسنامه، عدم رعایت مفاد مواد ۲۲ و ۲۳ قانون بازار اوراق بهادار و دستورالعمل ثبت و عرضه عمومی سازمان بورس و اوراق بهادار (Soltani, 2021)، عدم رعایت صلاحیت مرجع ثبت شرکت با توجه به محل اقامتگاه شرکت (Hasanzadeh, 2020)، تماماً موارد نقضی است که می‌توانند در فرآیند تشکیل شرکت‌های سهامی فرض گردند.

به عنوان مثال باتوجه به مفاد ماده ۱۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، در صورتی که شرکت تا شش ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه مذکور در ماده ۶ این قانون به ثبت نرسیده باشد به درخواست هر یک از موسسین یا پذیره نویسان مرجع ثبت شرکت‌ها که اظهارنامه به آن تسلیم شده است گواهینامه‌ای حاکی از عدم ثبت شرکت صادر و به بانکی که تعهد سهام و تادیه وجوه در آن به عمل آمده است ارسال می‌دارد تا موسسین و پذیره‌نویسان به بانک مراجعه و تعهد نامه و وجوه پرداختی خود را مسترد دارند. در این صورت هرگونه هزینه‌ای که برای تاسیس شرکت پرداخت یا تعهد شده باشد به عهده موسسین خواهد بود. در شرکت سهامی عام، عدم ثبت شرکت تا قبل از پذیره‌نویسی نتایج حقوقی مشخصی را به همراه ندارد. اما پس از انجام پذیره‌نویسی، عدم تشکیل شرکت و یا ثبت آن تبعاتی دارد که فراتر از موسسان خواهد بود. در این بین پذیره نویسان نیز در تشکیل یا عدم تشکیل شرکت ذینفع محسوب می‌شوند. تشکیل نشدن شرکت سهامی ممکن است به دلایل ذیل باشد: عدم دعوت از مجمع مؤسس، عدم حصول حدنصاب لازم برای انعقاد مجمع مؤسس، عدم حصول اکثریت قانونی لازم برای تصمیم‌گیری در جلسه مجمع مؤسس. هر یک از حالت‌های فوق‌الذکر به تنهایی برای عدم تشکیل و ثبت شرکت سهامی عام کفایت می‌کند. همانطور که مشاهده می‌شود، حالات مذکور تنها در خصوص عدم تشکیل مجمع عمومی مؤسس یا عدم حصول حد نصاب‌ها و اکثریت‌های لازم است، لیکن ممکن است این مجمع مطابق شرایط قانونی تشکیل شود و با رعایت تشریفات قانونی تصمیماتی را اتخاذ کند، ولی به دلیل اهمال افرادی که می‌بایست اسناد و مدارک لازم برای ثبت شرکت را به مرجع ثبت شرکت‌ها ارائه کنند و انقضای بیش از ۶ ماه از تاریخ تسلیم اظهارنامه اولیه و استرداد وجوه پرداختی از سوی هر یک از موسسان و پذیره نویسان، هرگز شرکت به ثبت نرسد. مصداق دیگر نقض قوانین مربوط به تشکیل و ثبت شرکت سهامی را می‌توان در بحث سرمایه این قبیل شرکت‌ها مشاهده نمود. در این شرکت‌ها، اشخاص ثالث حساب ویژه‌ای بر سرمایه شرکت باز می‌کنند و در واقع این سرمایه، وثیقه دین شرکت است به اشخاص ثالث. به تعبیری، سرمایه در شرکت‌های سهامی، ما به ازاء مسئولیت محدود سهامداران است (Eskini, 2019)؛ لذا مطابق ماده ۱۸۹ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، سرمایه شرکت در طول حیات آن، هیچ‌گاه نباید از حداقل مقرر قانونی کمتر شود.

در شرکت‌های سهامی عام و خاص، هنگام تاسیس شرکت، کلیه سرمایه باید تعهد به پرداخت گردد که در سهامی خاص این امر توسط مرسسین و در سهامی عام نسبت به حداقل ۲۰ درصد، توسط مؤسسین و نسبت به مابقی توسط پذیره‌نویسان انجام خواهد شد. به هر حال در هر دو شرکت، بر طبق مواد ۶، ۱۶ و بند ۲ ماده ۲۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، ۳۵ درصد مبلغ مورد تعهد باید نقداً توسط متعهدین مذکور پرداخت گردد و عدم لزوم پرداخت تمام سرمایه شرکت سهامی در هنگام تاسیس، به جهت عدم نیاز این شرکت‌ها به تمام سرمایه در هنگام تاسیس و در نتیجه بلااستفاده ماندن سرمایه در صندوق شرکت می‌باشد (Ebadi, 2022).

در مورد امکان تأمین سرمایه به صورت غیرنقدی نیز، قانونگذار تدابیری را اندیشیده است؛ به طوری که هر چند سرمایه در شرکت‌های سهامی هم می‌تواند به صورت نقدی باشد و هم غیرنقدی، اما در هیچیک از مواد لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷، اشاره‌ای به نوع و کیفیت آورده‌های غیرنقدی نگردیده است؛ بنابراین علی‌القاعده اموال مادی اعم از منقول و غیرمنقول، غیرمادی مشتمل بر منفعت، سرقفلی، حق اختراع، حق تألیف و دانش فنی، صنعت-کار، تخصص، فعالیت و طلب، می‌توانند به عنوان سرمایه غیرنقدی در نظر گرفته شود (Sotoudeh Tehrani, 1995). در شرکت‌های سهامی عام که اقدام به عرضه اولیه سهام به عموم می‌نمایند نیز بر طبق قانون، برای اشخاص دخیل در این امر -مؤسسین و مدیران ناشر- که می‌خواهند با پذیره‌نویسی سرمایه لازم را جهت تاسیس شرکت تأمین کنند، چنانچه این افراد به ارائه اطلاعات خلاف واقع بپردازند، اقدام به نقض مقررات در این زمینه نموده‌اند.



## در حقوق انگلیس

در حقوق انگلستان با توجه به اهمیتی که برای ثبت شرکت قائل می‌باشد، مستنداً به ماده ۸۶ قانون شرکت‌های تجاری مصوب ۲۰۰۶ و همچنین مواد ۵۸ الی ۶۴ از همین قانون به واسطه ثبت شرکت در مرجع ثبت شرکت‌ها است که شخصیت حقوقی ایجاد می‌گردد و تا قبل از آن نمی‌توان قائل به ایجاد شخصیت حقوقی بود. لذا تمامی ارتباطات آن بر اساس این شخصیت حقوقی که به ثبت رسیده است رسمیت پیدا می‌کند؛ چرا که در حقوق انگلیس، اگر سازمان تجاری واجد شخصیت حقوقی باشد، به این معنا که به صورت یک موجود حقوقی، یعنی شخص حقوقی در آید، مشمول مقررات ویژه شرکت تجاری است و در مقابل هر ذینفع و اشخاص ثالث مسئولیت خواهد داشت و اگر شرکت ثبت نشود، فاقد شخصیت حقوقی می‌باشد، یعنی در قالب شخص حقوقی در نیامده است و در مقابل اشخاص ثالث مسئولیتی نخواهد داشت.

اما چنانچه شرکتی با وجود عدم رعایت الزامات مربوط به تشکیل شرکت، به ثبت برسد، مسئولیت ثبت‌کننده شرکت در قبال اشخاص ثالث مطرح می‌گردد؛ چرا که وظیفه ثبت‌کننده شرکت در این نظام حقوقی، یک وظیفه شبه‌اجرایی است؛ وظیفه او این است که تعیین کند آیا شرکت متقاضی ثبت مجاز به ثبت نام است یا خیر؟ و شرکت را تحت قانون شرکت‌های تجاری مصوب ۲۰۰۶ به ثبت برساند. قسمت دیگری از مقرراتی که علی‌الاصول غیرقابل نقض هستند به موضوع سرمایه شرکت در زمان تشکیل باز می‌گردند. پس از تصویب قانون خدمات مالی و بازار در سال ۲۰۰۰، وظایفی براساس ماده ۲ از این قانون برای سازمانی تحت عنوان سازمان خدمات مالی<sup>۱</sup> تعریف شد. از جمله این وظایف این سازمان، وضع قوانین با اهداف امنیت بازار، ثبات مالی، حمایت از مصرف‌کنندگان و کاهش جرایم مالی بود. یکی از ادارات این سازمان وظیفه بررسی پذیرش شرکت‌های سهامی عام در بازار اوراق بهادار را بر عهده داشت (Hudson, 2017). یکی از مواردی که شرکت‌های سهامی عام برای پذیرش در بازار اوراق بهادار باید بدانها عمل می‌نمودند، قواعد پذیرشی بود که در دستورالعمل‌های سازمان خدمات مالی که از بخش ششم قانون خدمات مالی نشأت می‌گرفت که آنهم بر مبنای دستورالعمل‌های مختلف اتحادیه اروپا تصویب شده بود (French, 2019).

طبق ماده ۵۸۶ قانون شرکت‌های سال ۲۰۰۶ انگلستان، حداقل به میزان یک چهارم از حداقل سرمایه برای تشکیل شرکت سهامی عام باید توسط مؤسسين آورده شود تا امکان انتشار فراخوان جذب سرمایه و پذیره‌نویسی در گام بعدی وجود یابد. اگرچه به طور کلی این امکان وجود دارد که انتقال سهام می‌تواند به شرایطی که در اساسنامه شرکت ذکر می‌شود، مشروط گردد لکن در مورد شرکت‌های سهامی عامی که در بورس اوراق بهادار لندن پذیرفته شده‌اند، هرگونه محدودیتی از این قبیل ممنوع خواهد بود (Dignam & Lowry, 2012). همچنین مطابق ماده ۷۵۵ قانون شرکت‌های ۲۰۰۶ انگلستان، تفاوت اصلی شرکت‌های سهامی خاص با سهامی عام در ممنوعیت عرضه عمومی اوراق بهادار شرکت توسط شرکت سهامی خاص است. مطابق بند ۱ از این ماده، شرکت‌های سهامی خاص یا شرکت‌هایی که مسئولیت آنها محدود به ضمانت است، نمی‌توانند هر گونه اوراق بهادار شرکت را به عموم عرضه کنند، یا اوراق بهاداری از شرکت را به منظور عرضه به عموم تخصیص دهند یا با تخصیص آنها به عرضه عمومی موافقت کند. بنابراین چنانچه این شرکت‌ها بخواهند از طریق مراجعه به عموم سرمایه مورد نیاز خود را تأمین نموده و اوراق بهادار خود را به عموم عرضه کنند، الزام به ثبت مجدد شرکت به عنوان شرکت سهامی عام را داشته و حتی ممکن است در صورت عدم رعایت این مقررات، دستور انحلال اجباری شرکت داده شود (Hannigan, 2012).

<sup>1</sup> The Financial Services Authority (FSA)

### ۳- حمایت از حقوق اشخاص ثالث

#### در حقوق ایران

در فرآیند تشکیل شرکت سهامی در حقوق ایران، مقوله زمان تشکیل شدن شرکت از اهمیت ویژه‌ای در حمایت و حفاظت از حقوق اشخاص ثالث برخوردار است چرا که تشکیل شرکت در حقوق ایران با استقلال شخصیت حقوقی آن گره خورده و به تعبیری تا زمانی که شرکت سهامی از شخصیت حقوقی مستقل برخوردار نباشد، چنانچه حقوق ذینفعی نقض گردد یا به مخاطره افتد، چون شرکت مزبور هنوز از اهلیت برخوردار نیست، بالتبع نمی‌توان به عنوان مسئول، طرف دعوی خوانده شود.

میان نویسندگان در خصوص نقطه آغازین تشکیل شرکت سهامی اختلاف نظر وجود دارد. عده‌ای از آنان، تشکیل شرکت سهامی را منوط به ثبت در اداره ثبت شرکت‌ها دانسته (Pasban, 2021) و عده دیگر معتقدند باید در خصوص اینکه ثبت شدن شرکت در اداره ثبت شرکت‌ها نقطه آغازین استقلال شخصیت شرکت باشد بین شرکت‌های سهامی عام و سهامی خاص تمایز قائل شد. اینان ماده ۲۰ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که در صدر آن چنین مقرر شده: «برای تأسیس و ثبت شرکت‌های سهامی خاص فقط تسلیم اظهارنامه به ضمیمه مدارک زیر به مرجع ثبت شرکت‌ها کافی خواهد بود: ...» را با الزامات ماده ۱۷ همان لایحه قانونی نسبت به تشکیل مجمع عمومی مؤسس، تصویب تشکیل شرکت در مجمع مذکور و نهایتاً امضای قبولی سمت اولین مدیران و بازرسان شرکت را مقایسه نموده و این نقطه را آغاز استقلال شخصیت حقوقی شرکت می‌شناسند (Eisai Tafreshi, 2021). با توجه به شناسایی مسئولیت تضامنی در مواد ۲۳ و ۲۷۳ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت برای مؤسسان و اشخاصی که بطلان شرکت به اعمال آن‌ها باز می‌گردد، این افتراق نظر در زمان تشکیل شرکت سهامی آثار مهمی را بر جای خواهد گذاشت.

در ماده ۲۳ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ قانون‌گذار با بیان اینکه: «مؤسسين شرکت نسبت به کلیه اعمال و اقداماتی که به منظور تأسیس و به ثبت رسانیدن شرکت انجام می‌دهند مسئولیت تضامنی دارند»، به دنبال حفظ حقوق اشخاص ذینفع از جمله اشخاص ثالث هم در شرکت سهامی عام و هم در شرکت سهامی خاص است (Pasban, 2021). در این میان برخی از حقوقدانان معتقدند اگرچه در مرحله تأسیس شرکت سهامی خاص، سهامداران و مؤسسين دو جلد برای یک کالبد هستند، لکن بعضی از مؤسسين شرکت در روند تأسیس آن بیش از تأمین سرمایه اولیه نقش داشته و اقدامات اصلی در تأسیس شرکت و راه اندازی کسب و کار، توسط آنان انجام می‌شود. بر همین مبنا نیز این حقوقدانان بیان می‌نمایند که باید این دسته اخیر را نسبت به سایر مؤسسين مشمول حکم موضوع ماده ۲۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت -علاوه بر حالتی که در ماده ۲۷۳ مقرر شده-شمارد (Saghri, 2022).

با در نظر گرفتن مفاد ماده ۲۷۳ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ نه تنها مؤسسين شرکت در شرکت سهامی عام، بلکه هر شخصی که رفتار او اسباب صدور حکم بطلان شرکت را فراهم نموده باشد، در مقابل سهامداران و اشخاص ثالث مسئول شناخته شده است (Pasban, 2021). به نظر می‌رسد بیان جداگانه «صاحبان سهام» با عطف به اشخاص ثالث، نشان دهنده قصد قانون‌گذار در حمایت از سایر سهامدارانی که مسئول بطلان شرکت در شرکت‌های سهامی خاص نیستند، باشد.

علاوه بر این، باتوجه به مفاد ماده ۲۷۰ همان قانون، یکی از راهکارهای قانون‌گذار در شرایطی که حقوق شخص ثالث در صورت عدم رعایت مقررات قانونی در فرآیند تشکیل شرکت نقض شده باشد، امکان طرح دعوای بطلان شرکت است. لکن این ضمانت اجرای سخت‌گیرانه قانون‌گذار خود می‌تواند موجبات اضرار به حقوق سایر اشخاص ثالث که ممکن است در تعداد نفرات از اشخاصی که حقوقشان مورد تضییع

قرار گرفته، بیشتر باشد را فراهم آورد. بدین جهت با پیش‌بینی احکام مواد ۲۷۱ و ۲۷۲ بعد از این ماده، به نظر می‌رسد قانون‌گذار به دنبال تعدیل حکم مزبور بوده است (Eskini, 2019). در این وضعیت چنانچه بطلان شرکت در نتیجه صدور حکم دادگاه اعلان شود، منطقیاً معاملات شرکت در دورانی که تشکیل شده فرض می‌شود، باید باطل شمرده شود. چه اینکه در حقیقت موجودی وجود نداشته که بتواند طرف حق و تکلیف قرار گرفته و اهلیت موضوع ماده ۱۹۰ قانون مدنی را داشته باشد. لکن حفظ امنیت اشخاصی که به موجودیت شرکت اعتماد نموده و با شرکت در آن دوران معامله نموده‌اند ایجاب می‌نماید که استناد به بطلان شرکت و در نتیجه بطلان معامله مزبور تنها از جانب شخص ثالث-طرف معامله با شرکت-قابل استناد باشد.

بر همین مبنا نیز حقوقدانانی معتقدند تا زمانی که ثالث نسبت به اعلام بطلان معاملات مزبور اقدامی ننموده باشد، آن معاملات باید صحیح تلقی شده و مسبب بطلان شرکت به موجب ماده ۲۷۳ از لایحه اصلاح قسمتی از قانون تجارت، متعهد به ایفای تعهدات مندرج در این دست معاملات و تعهداتی که به موجب الزامات خارج از قرارداد بر عهده شرکت قرار گرفته، هستند (Kaviani, 2018). در این میان نباید از نقش مهمی که اداره ثبت شرکت‌ها به عنوان اولین واسطه بین قانونگذار و کارآفرینان بالقوه و کلیددار ورود به حوزه رسمی اقتصاد در رسمیت بخشیدن به هویت اشخاص حقوقی دارد، غافل شد. همچنین نقش اساسی این اداره در جهت ارتقاء بهبود فضای کسب و کار و همچنین مبارزه با فساد و پولشویی و رصد اشخاص حقوقی و حقیقی بدهکار مالیاتی بسیار مهم است (Pasban & Milani, 2023).

باید توجه داشت قانون‌گذار برای حفظ نظم عمومی و مصالح اجتماعی، ثبت شرکت تجاری و نام تجاری را پیش شرط معاملات این دسته از اشخاص دانسته است. این موضوع در مواد ۵ و ۶ از آیین‌نامه پایگاه اطلاعات اشخاص حقوقی متبلور شده است. بنابراین اداره ثبت شرکت‌ها در ثبت شرکت و با ثبت نام مشخصی که از سوی ثبت کنندگان ارائه می‌شود و تخصیص شماره ثبت و شناسه ملی و سایر مندرجات گواهی ثبتی همچون موضوع فعالیت و مدت فعالیت و ... به شرکت‌ها-در خصوص بحث ما شرکت سهامی-و به استناد موادی که در سطور گذشته بیان شدند، موجب می‌شود تا مراجع قانونی شرکت را به عنوان شخصیت حقوقی مستقل شناخته و با این عمل، شرکت در راستای هدف قانون‌گذار در حمایت و حفاظت از حقوق اشخاص ثالث که بر پایه ثبت رسمی بدان اعتماد نموده و وارد داد و ستد و انعقاد قراردادها و سایر ارتباطات با شرکت می‌شوند، اقدام می‌کند (Pasban & Milani, 2023).

علاوه بر این‌ها قانون‌گذار در مواد ۱۹، ۲۲ و ۲۸ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، اقدام به وضع محدودیت‌هایی در رابطه با سرمایه شرکت قبل از ثبت نموده است. به نحوی که در ماده ۱۹ برای جلوگیری از تضییع حقوق اشخاص ثالث در راکد ماندن سرمایه ایشان به جهت عدم ثبت شرکت تا شش ماه پس از تقدیم اظهارنامه ماده ۶، صدور گواهی عدم ثبت شرکت به درخواست هر ذینفع را پیش‌بینی نموده است؛ به علاوه در ماده ۲۲ قانون‌گذار «استفاده از وجوه تأدیه شده بنام شرکت‌های سهامی در شرف تأسیس» را تا قبل از ثبت شرکت ناممکن شمرده است تا امکان بازپس‌دهی وجوه تأدیه شده به پذیره‌نویسان در صورت عدم ثبت شرکت وجود داشته باشد و همچنین از سوءاستفاده مؤسسين در استفاده از این وجوه جلوگیری نماید. در ماده ۲۸ از لایحه قانونی مذکور با مسئول شناختن اشخاصی که قبل از ثبت شرکت به صدور گواهی سهم یا امضای گواهینامه موقت سهام در قبال خسارات اشخاص ثالث، در جهت حمایت از این اشخاص حرکت کرده است. چرا که در این مرحله هنوز شرکت واجد شخصیت حقوقی مستقل نیست و به موجب قاعده عمومی مسئولیت در فرآیند تشکیل شرکت، مستند به مواد ۲۳ و ۲۷۳ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، اشخاص حقیقی که با اعمال خود موجب به بار آمدن خسارات و ضرر به اشخاص ثالث شده‌اند، پاسخگو هستند. بنابراین در تشکیل شرکت‌های سهامی، دولت به عنوان نهاد ناظر و بر مبنای اصل

نظارت دولت از طریق الزامات و وظایف اداره ثبت شرکت‌ها و سازمان بورس و اوراق بهادار، در تأمین منافع عمومی در فرآیند تشکیل شرکت نقش مؤثری در حقوق ایران در جهت حمایت از حقوق اشخاص ثالث بر عهده دارد.

نکته حائز اهمیت دیگری که در فرآیند تشکیل شرکت و برای حمایت از حقوق اشخاص ثالث باید بدان پرداخته شود، بحث تأمین سرمایه و مقررات ناظر بر آن است. اولاً در فرآیند تشکیل شرکت به موجب اصل تشریفاتی بودن در شرکت‌های سهامی و از این جهت که این نوع از شرکت‌ها در اقتصاد تاجر حرفه‌ای شناخته می‌شوند، باید از حداقل سرمایه‌ای که برای تأسیس آن‌ها در ماده ۵ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت ذکر شده برخوردار باشند که ضمانت اجرای عدم رعایت این حداقل قانونی ایجاد سبب انحلال شرکت است. هرچند حداقل سرمایه مذکور در خصوص تأسیس در زمان اصلاح قانون تجارت برای شرکت سهامی - عام و خاص - مناسب بود اما در حال حاضر با توجه به کاهش ارزش پول این ارقام به هیچ عنوان برای فعالیت تجاری در قالب شرکت مناسب نیست و لازم است مورد بازنگری قرار گیرد. ثانیاً قسمت دوم ماده به طور غیر مستقیم تجویز نموده است که برای مدت طولانی یک سال همین حداقل سرمایه نیز کاهش داده شود که به نظر می‌رسد این مورد هم غیر منطقی باشد (Pakdaman, 2010).

قانون‌گذار با هدف تسهیل فعالیت‌های اقتصادی بزرگتر به مؤسسين شرکت‌های سهامی عام این اجازه را می‌دهد که برای تشکیل شرکت به جذب سرمایه‌های عمومی بپردازد. اما مؤسسين خود باید حداقلی از سرمایه اولیه شرکت را در دست داشته باشند تا امکان فوق فراهم گردد. همچنین این امر با استفاده از آورده‌های غیرنقدی برای مؤسسين با سهولت بیشتری نیز همراه شده است. به موجب همین امر و برای جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی سودجویان، به موجب ماده ۷۶ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، جلب نظر کارشناس رسمی دادگستری در تقویم ارزش آورده‌های غیرنقدی مؤسسين الزامی بوده و به موجب مواد ۷۷ تا ۸۱ در صورت عدم تصویب این آورده‌های غیرنقدی، امکان تشکیل نشدن شرکت محتمل می‌گردد. در شرکت سهامی خاص نیز به موجب ماده ۸۲ لایحه قانونی مذکور جلب نظر کارشناس ضروری است و چنانچه آورده غیرنقدی بیش ارزیابی کارشناس منظور شود، از موجبات عدم رعایت تشریفات در تشکیل شرکت شمرده شده و سبب صدور حکم بطلان شرکت را فراهم می‌آورد. به علاوه به موجب ماده ۲۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت که در آخرین اصلاحات در تاریخ ۱۳۹۹/۱۱/۰۸ جزای نقدی مندرج در صدر ماده پس از گذشت نیم قرن از تغییر و تحولات فراوان در ارزش پول ملی و کاهش شدید اثر بازدارندگی در نتیجه آن، مورد اصلاح قرار گرفت. به علاوه الزامات مشابهی در قوانین حقوق بازار سرمایه نیز قابل مشاهده است. از جمله این الزامات باید به برشماری مواد ۴۳ (مسئول شناختن اشخاصی که در اثر قصور، تقصیر، تخلف و یا به دلیل ارائه اطلاعات ناقص و خلاف واقع در عرضه اولیه که ناشی از فعل یا ترک فعل آن‌ها باشد)، ۴۴ (اختیار سازمان به متوقف کردن سازمان در صورت آگاهی از ارائه اطلاعات مالی خلاف واقع از سوی ناشر)، ۴۶، ۴۷ و ۴۹ از قانون بازار اوراق بهادار پرداخت که خصوصاً در این مواد اخیر به تعیین ضمانت اجرای کیفری عدم رعایت الزامات افشا در قانون بازار اوراق بهادار اشاره شده است.

### در حقوق انگلیس

یکی از موضوعات مهم که در حقوق انگلستان بسیار واجد اهمیت است، قاعده عدم ابطال شرکت سهامی ثبت شده می‌باشد تا از حقوق اشخاص ثالث حمایت گردد و دادستان کل در شرایط استثنائی و خاصی همچون: الف) در تأیید تأسیس یک شرکت و در ثبت آن، مدیر ثبت شرکت‌ها به طور غیرمعارف عمل کند یا مرتکب اشتباه رویه‌ای یا اشتباه قانونی گردد. ب) شرکت سهامی برای یک هدف قانونی تشکیل نشده است، بلکه برعکس، صراحتاً با هدف اصلی انجام فعالیتی غیرقانونی یا غیراخلاقی تشکیل شده باشد. تنها با سوءرفتار یا بی‌احتیاطی از طرف

متصدی ثبت، یک شرکت ممکن است به صورت کاملاً غیرقانونی به ثبت برسد. در این صورت اشخاص ثالث می‌توانند به دادگاه مراجعه کرده و درخواست ابطال گواهی ثبت را نمایند. در این صورت مدعی‌العموم برای حفظ حقوق اشخاص ثالث اقدام می‌کند و گواهی ثبتی را که مرجع ثبت شرکت‌ها به طور نادرست و اشتباه صادر نموده، ابطال می‌نماید و سپس حکم «الزام مقام رسمی به انجام وظیفه قانونی» توسط دادگاه صادر می‌شود و ثبت‌کننده ملزم به صدور گواهی ثبت، بر طبق مقررات و وظایف خود می‌گردد و ثبت‌کننده در برابر هر نوع قصور در برابر اشخاص ثالث مسئول خواهد بود؛ از دیگر مصادیق مسئولیت ثبت‌کننده شرکت سهامی در حقوق انگلیس می‌توان به وضعیتی اشاره نمود که شرکتی با موضوعی غیرقانونی به ثبت رسیده باشد. ثبت شرکت به طور قطعی ثابت نمی‌کند که موضوع فعالیت و اهداف یک شرکت قانونی است، اما پس از صدور گواهی ثبت و تأسیس شرکت، اصولاً نمی‌توان به دلیل غیرقانونی بودن، آن را به چالش کشید؛ مگر در دعوای ویژه‌ای که به نام پادشاه (به جهت داشتن حق قانونی مطرح می‌شود)، ثبت شرکت لغو شود؛ پس چنین شرکتی همچنان موجودیت حقوقی داشته و در مقابل ثالث، مسئول بوده و باید پاسخگو باشد. اثر ثبت رسمی توسط قانونگذار به عنوان اختیاری برای نادیده گرفتن رعایت قانون به اداره ثبت تلقی نمی‌شود، بلکه قانونگذار مایل است اطمینان حاصل کند که پس از اینکه شخصیت حقوقی جدید با عمل رسمی یک کارگزار دولتی به وجود آمد، برای اشخاصی که با شرکت معامله می‌کنند، لازم نیست خود مطمئن شوند که آیا الزامات قانونی مختلف رعایت شده است یا خیر. این اختیاری است که از سوی قانونگذار به ثبت‌کننده داده نمی‌شود، بلکه حمایتی است که برای عموم مردمی که ممکن است با شرکت معامله کنند (Len & Worthington, 2014).

بخشی از مسائلی که قانون‌گذار در نظام حقوق انگلستان در حمایت از اشخاص ثالث به دنبال آن بوده است، تعیین وضعیت و مسئولیت‌هایی است که از اعمال مؤسسين شرکت‌ها ناشی می‌شود. قانون شرکت‌های مصوب ۲۰۰۶ به دنبال ارائه تعریف دقیقی از مؤسسان نبوده چرا که در این صورت اشخاص سعی می‌نمودند با اقداماتی خود را از دایره تعریف خارج کنند تا مشمول مقررات راجع به مسئولیت این دسته از اشخاص مرتبط با تشکیل شرکت قرار نگیرند. حتی با فقدان یک تعریف دقیق از مؤسسان که می‌تواند موجبات فراهم آمدن چالش‌های زیاد حقوقی را فراهم آورد، به دلایل مختلف باید مؤسسين شناخته شوند. یکی از این دلایل این است که مؤسسين موظفند نسبت به شرکتی که هنوز به ثبت نرسیده و تشکیل نشده نیز امانتداری را رعایت نمایند. همچنین مؤسسين در قبال اعمالی که از طرف شرکت در حال تأسیس انجام می‌دهند، ممکن است مسئول شناخته شوند. علاوه بر اینها، در مواد مختلفی از قانون شرکت‌های مصوب ۲۰۰۶ برای مؤسسين به ویژه مؤسسين شرکت‌های سهامی عام، وظایف خاصی معین شده است. بر این اساس دادگاه‌ها در رویه قضایی به دنبال یافتن پاسخ به این سؤال که چه کسی مؤسس محسوب می‌شود، بوده‌اند. یکی از نظریات کلاسیک در مورد این موضوع به نظر قاضی «بوتن»<sup>۱</sup> باز می‌گردد. در پرونده «شرکت نشر والی بریج کالیکو علیه گرین»<sup>۲</sup> در سال ۱۸۸۰، واژه مؤسس این چنین تعریف شد: «مؤسس، یک لفظ حقوقی نیست بلکه لفظی است که از فضای کسب و کار وارد عالم حقوق شده است و مانند سایر الفاظی که از آن حوزه نشأت گرفته‌اند، از ترکیب مفهوم چند واژه به دست آمده‌اند. در محیط تجارت به شخصی مؤسس گفته می‌شود که با وجود آشنایی به عملیات تجاری به تأسیس یک شرکت تجاری می‌پردازد». بنابراین لفظ مؤسس یک مفهوم عام است که به هر شخصی که در تشکیل یک شرکت-بسته به هر پرونده-نقش داشته است، اطلاق می‌گردد. با این حال، از لحاظ منطقی نیز به همه افرادی که در تشکیل شرکت نقش دارند، لفظ مؤسس منتسب نمی‌شود به عنوان مثال افرادی که به

<sup>1</sup> "Bowen. J"

<sup>2</sup> "Whaley Bridge Calico Printing Co v Green (1880)"

واسطه تخصص خود در تشکیل یک شرکت نقشی پیدا می‌کنند مانند وکلا یا حسابدارانی که به مؤسسين برای تشکیل شرکت مشاوره می‌دهند، مؤسس محسوب نمی‌گردند (Shepherd & Ridley, 2015).

مؤسسين در قبال شرکت در حال تأسيس و به این منظور که از فرصت‌هایی که در قبال این موقعیت به دست می‌آورند، سوءاستفاده نکنند، وظایفی برعهده دارند. به طور کلی این وظایف در دو دسته جای می‌گیرند؛ یکی وظیفه عام آنان به امانتداری و دیگری وظایفی که بر اساس قانون تعیین می‌گردد. وظایفی که بر اساس اصل امانتداری برای مؤسسين قابل فرض است و منبعت از اصول متبلور در رویه قضایی این کشور هستند، مصادیق مختلفی می‌توانند داشته باشند. یکی از این اصول، عدم امکان کسب سود توسط مؤسسين از تبلیغات شرکت است، مگر اینکه ماهیت منافع خود و سود حاصل را افشاء و منتشر کنند. ضمانت اجرایی که برای این مصداق در رویه قضایی انگلستان<sup>۱</sup> قابل مشاهده است، این است که چنانچه مؤسس با استفاده از شرکت به تبلیغ برای خود پرداخته و معامله‌ای منعقد نماید لکن منافع خویش و سود مکتسبه از این معامله را افشاء و منتشر نماید، شرکت می‌تواند فسخ چنین معامله‌ای را از دادگاه درخواست کند. چنانچه نتوان با فسخ این معامله سود مکتسبه را بازیابی نمود یا چنانچه حق فسخ به نحوی از بین برود، بر اساس رویه قضایی انگلستان<sup>۲</sup> امکان الزام مؤسس به بازگرداندن سود کسب شده از این معامله به حساب شرکت وجود دارد (Reisberg & Donovan, 2018).

دسته دیگری از وظایفی که بر عهده مدیران مؤسس شرکت قرار می‌گیرد، وظایف قانونی می‌باشد. قبل از اینکه شرکت به ثبت برسد و گواهی تأسيس دریافت نماید، این احتمال وجود دارد که مدیران مؤسس شرکت برای تأمین نیازهای آتی شرکت در شرف تأسيس قراردادهایی را با اشخاص ثالث تنظیم نمایند. به عنوان مثال ممکن است مؤسسين برای تأمین سرمایه مورد نظر برای ثبت شرکت به انعقاد قرارداد با تأمین‌کنندگان اعتبار بپردازند، یا ممکن است نیاز به انعقاد قرارداد برای دریافت لوازم مورد نیاز شرکت یا استخدام کارکنان داشته باشند. اگرچه شرکت پس از ثبت و تشکیل شخصیت حقوقی مستقل، اهلیت انعقاد چنین قراردادهایی را دارد لکن «شرکت در شرف تأسيس» از این اهلیت و صلاحیت برخوردار نیست. چنانچه مدیران مؤسس بخواهند از طرف شرکت در شرف تأسيس یا به نام چنین شرکتی اقدام به انعقاد قراردادهایی مانند موارد ذکر شده قبلی کنند، آیا این قراردادها از اعتبار برخوردارند یا خیر؟ در پاسخ به این سؤال باید به رویه قضایی انگلستان و مواد قانونی این کشور مراجعه کرد (Wild, 2019).

قبل از پیوستن بریتانیا به جامعه اقتصادی اروپا-اکنون اتحادیه اروپا-پاسخ را باید در رویه قضایی جستجو می‌نمود که پاسخ سؤال به قصد طرفین در قرارداد، همانگونه که در قرارداد مشخص شده بود، باز می‌گشت. در پرونده «شرکت سهامی خاص فونوگرام علیه لین» که در سال ۱۹۸۲ طرح شد، روند اثبات بسیار دشوار بود که منجر به تشتت رویه قضایی در این مورد و ایجاد این تفکر که این دست از دعاوی دارای تمایزات بسیار فنی و پیچیده هستند، شد. اما در نتیجه ورود بریتانیا به اتحادیه اروپا، این کشور موظف به اجرای بخشنامه قانون اول شرکت‌های اتحادیه اروپا شد که در ماده ۷ آن چنین بیان شده بود: «در صورتی که قبل از کسب شخصیت حقوقی توسط شرکتی... اقدامی به نام آن انجام شده باشد، شرکت تعهدات ناشی از چنین اقدامی را بر عهده نمی‌گیرد، اشخاصی که اقدام نموده‌اند کاملاً و متضامناً در قبال این تعهدات مسئول هستند» (Pillans & Bourne, 2012).

همچنین نام شرکت‌ها در حقوق شرکت‌های انگلستان از اهمیت بالایی برخوردار است. ممکن است مرجع ثبت شرکت‌ها با نام انتخابی مخالفت نماید یا افراد یا مشاغل دیگری نسبت به نام انتخابی ادعای حقوقی مطرح کنند. بر همین اساس در مواد ۶۹ الی ۷۴ قانون شرکت‌های مصوب

<sup>1</sup> "Erlanger v New Sombrero Phosphate Co (1878)"

<sup>2</sup> "Emma Silver Mining Co v Grant (1879)"

۲۰۰۶ و بر اساس رویه قضایی این کشور، چنانچه شخصی نسبت به نام انتخابی شرکت بر این مبنا که به نوعی با حقوق وی ارتباط داشته و به نوعی موجبات گمراهی سایرین شود و همچنین نام انتخابی، از حقوق مکتسبه اختصاصی شخص باشد، صاحب حق می‌تواند به نام انتخابی اعتراض کند. برای اعتراض به نام شرکت، شخص معترض می‌تواند به مرجع داوری نام که مطابق قواعد قانون داوری نام شرکت مصوب ۲۰۰۸ انجام می‌شود، رجوع نموده و چنانچه اعتراض تأیید شود، باید نام شرکت مطابق ماده ۷۳ از قانون شرکتهای مصوب ۲۰۰۶ تغییر کند. احکام جزئی‌تر مربوط به تعیین نام شرکت در مواد ۵۴ تا ۸۸ قانون شرکتهای ۲۰۰۶ انگلستان بیان شده و همچنین ابزارهای قانونی مرتبط دیگری همچون آیین‌نامه «نام شرکتهای و کسب و کارهای ۲۰۰۹» نیز در این رابطه وجود دارد (Hannigan, 2012).

از جمله اقدامات دیگری که قانون‌گذار در جهت حفظ و حمایت از حقوق اشخاص ثالث بدان توجه داشته است، قواعد ماهوی اصلی در زمینه پذیرش شرکت‌ها در بازار اوراق بهادار است. الزامات مربوط به این موضوع شامل در دسترس گذاشتن حساب‌ها و فعالیت‌های مالی شرکت، رعایت حداقل سرمایه برای ورود به بازار، حداقل «نسبت سهام عرضه شده به عموم» می‌شود. بر این اساس ماده ۸۰ قانون خدمات مالی و بازارهای مصوب ۲۰۰۰، به بیان جزئیات اطلاعاتی که لازم است در دسترس عموم در زمان انتشار اوراق بهادار شرکت می‌رسد، می‌پردازد. این اطلاعات شامل: (الف) دارایی‌ها و حدود مسئولیت شرکت، وضعیت مالی کنونی شرکت، چشم‌انداز ناشر از بازدهی سود و زیان اوراق بهادار؛ (ب) حقوق مربوط به این اوراق بهادار می‌شود (Dignam & Lowry, 2012). نمی‌توان هدف دیگری به جز حمایت از اشخاص ثالث، حفظ نظم عمومی اقتصادی و اعتمادی است که عموم مردم به مرجع اعطاءکننده مجوز برای سرمایه‌گذاری دارند، از این نوع وضع مقررات با توجه به بیان سببه تاریخی تغییرات در قوانین مربوط به شرکتهای در حقوق انگلستان فرض نمود.

### نتیجه‌گیری

تشکیل و ثبت شرکت در دو نظام حقوق ایران و انگلیس مبتنی بر رعایت الزامات و شرایط شکلی (لزوم وجود شرکتنامه و اساسنامه، شرایط مربوط به نام شرکت) و ماهوی (شرایط راجع به شرکا و ماهیت سرمایه شرکت) است که می‌باید از سوی افرادی که قصد تشکیل و ثبت شرکت در این دو نظام حقوقی را دارند، رعایت گردد. عدم رعایت الزامات مذکور و به تبع آن نقض قوانین مربوط به تشکیل شرکت سهامی، فرایند تشکیل و ثبت این موجودیت‌های حقوقی را با اختلالاتی مواجه می‌نماید و به تبع آن، این عدم تشکیل و یا در مواردی بطلان تشکیل، زمینه‌ساز تضییع حقوق اشخاص ثالث می‌گردد.

ضمانت اجرای نقض قوانین مربوط به تشکیل شرکت سهامی که حمایت از حقوق اشخاص ثالث در موارد نقض مقررات مربوط به تشکیل شرکت را در پی خواهد داشت، در حقوق ایران و انگلیس مشتمل بر: ۱- ضمانت اجرای عدم تشکیل یا بطلان شرکت، بدین ترتیب که نقض قوانین مربوط به تشکیل و ثبت شرکت سهامی در هر مرحله از مراحل تشکیل و ثبت که باشند، عمدتاً موجب بطلان آن خواهد شد و ۲- ضمانت اجرایی که متوجه کسانی می‌شود که عدم تشکیل شرکت یا بطلان آن حاصل اقدامات آنان (موسسان، مسئول شرکت ثبت و...) است.

در حقوق ایران با توجه به مواد ۲۳، ۲۷۰ و ۲۷۳ از لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت، نقض مقررات مربوط به تشکیل شرکتهای سهامی علاوه بر اینکه می‌تواند زمینه‌ساز ابطال شرکت را به وجود آورد، اشخاصی که ابطال شرکت بدانها بازگشته را در مقابل اشخاص ثالث مسئول می‌شناسد. لکن بطلان شرکت در حقوق انگلستان یک وضعیت استثنائی بوده و غالباً این سازوکار که افرادی که بی احتیاطی، بی‌مبالاتی و یا خطای عمدی آن‌ها در ثبت شرکت سهامی غیرقانونی یا فاقد شرایط و الزامات قانونی، زمینه ساز تضییع حقوق اشخاص ثالث

گردیده است، ملزم به جبران خسارات وارده بر اشخاص ثالث می‌باشند، به کار گرفته می‌شود. لکن چنین ضمانت اجراهایی به ویژه با توجه به رویه فعلی دادگاه‌ها در ایران برای اشخاص ثالث در دسترس نیست.

### تعارض منافع

در انجام مطالعه حاضر، هیچ‌گونه تضاد منافی وجود ندارد.

### مشارکت نویسندگان

در نگارش این مقاله تمامی نویسندگان نقش یکسانی ایفا کردند.

### حامی مالی

این پژوهش حامی مالی نداشته است.

## EXTENDED SUMMARY

With the expansion of economic markets from traditional settings to free-market systems, the necessity of forming commercial companies has grown significantly, particularly since the mid-sixteenth century. This transformation led to increased competition and reduced monopolization, with joint-stock companies playing a critical role in dynamic economies. The impact of these companies extends beyond national economies, influencing global economic policies through multinational corporations. Ensuring the protection of third-party rights in joint-stock companies is essential for contract stability, legal security, and fostering trust in economic interactions. This study adopts a descriptive-analytical approach using library research to conduct a comparative analysis of the mechanisms for protecting third-party rights when violations occur in the formation of joint-stock companies in Iranian and English legal systems. The legal repercussions of violating formation regulations in these jurisdictions generally fall into two categories: (1) sanctions leading to the non-formation or nullity of the company and (2) liabilities directed at individuals whose actions caused the failure to establish the company or its invalidation. In Iranian law, the legal framework predominantly enforces sanctions based on the non-formation or nullity of the company, whereas English law focuses on the invalidation of unlawful actions undertaken by individuals responsible for the violations. This distinction became more pronounced after the extensive amendments introduced in the Companies Act 2006, which were designed to align with modern economic requirements and judicial precedents. The legal doctrine in England places greater emphasis on corporate transparency, disclosure requirements, and procedural safeguards to prevent the fraudulent formation of companies and protect third-party stakeholders (McLaughlin, 2013). Conversely, Iranian law maintains a more rigid approach, relying primarily on state intervention and judicial mechanisms to address non-compliance with corporate formation requirements (Eskini, 2019).

The fundamental legal principles governing the formation of joint-stock companies in Iran emphasize state oversight, a feature rooted in the legal and economic framework of the country. Iranian commercial law mandates strict regulatory requirements to prevent corporate abuses and safeguard third-party interests. The requirement of government supervision in corporate formation stems from economic policies that seek to balance free-market principles with legal oversight. In practice, Iranian legal provisions such as Articles 6, 7, and 13 of the Revised Commercial Code impose specific disclosure obligations on company founders. These legal requirements are designed to ensure that third parties entering contracts with newly formed joint-stock companies have sufficient information regarding the company's capital structure and operational scope (Soltani, 2021). English corporate law, on the other hand, evolved through common law principles, placing greater emphasis on shareholder and creditor protections rather than direct state intervention. The Companies Act 2006 introduced comprehensive



measures to reinforce corporate transparency, particularly in relation to the duties of directors and company officers. Unlike Iranian law, where non-compliance with company formation rules typically results in the nullification of the corporate entity, English law grants courts the discretion to rectify procedural defects, allowing companies to continue their operations under corrective measures rather than outright dissolution (French, 2019). The principle of corporate separate personality, as established in *Salomon v. Salomon & Co Ltd (1897)*, remains a cornerstone of English company law, providing third-party creditors with clear legal recourse when dealing with corporate entities (Hannigan, 2012).

In cases of procedural violations in company formation, Iranian law predominantly relies on judicial intervention to protect third-party rights. Article 270 of the Revised Commercial Code states that non-compliance with legal provisions related to corporate formation can result in the nullification of the company, particularly when essential formalities such as capital contributions, shareholder agreements, and registration requirements are not met (Eskini, 2019). The emphasis on nullification serves as a deterrent against corporate fraud, ensuring that companies failing to adhere to statutory requirements cannot engage in commercial transactions under a legally recognized status. However, this approach has been criticized for its rigidity, as it does not provide adequate safeguards for third parties who may have already engaged in contractual relations with the defective entity. English law, by contrast, implements a more flexible approach, wherein procedural defects do not automatically invalidate the company unless fraud or significant legal breaches are involved. The principle of "substantial compliance," upheld by English courts, ensures that minor procedural errors do not unduly disrupt commercial transactions. This principle is reflected in the Companies Act 2006, which allows for corrective measures rather than automatic nullification, thereby minimizing disruptions to business operations and third-party stakeholders (Dignam & Lowry, 2012). Additionally, English law incorporates statutory remedies that enable third parties to seek compensation from directors or founders responsible for misleading corporate disclosures, a mechanism absent in Iranian corporate law (Hudson, 2017).

The mechanisms for protecting third-party rights in corporate formation disputes also diverge in terms of legal recourse and enforcement. In Iran, individuals affected by defective corporate formations can petition commercial courts for redress, with potential outcomes including the invalidation of corporate contracts or financial restitution from company founders. However, these legal remedies are often protracted and require extensive judicial intervention, which can deter third parties from pursuing claims (Saghri, 2022). English law, in contrast, provides a more structured dispute resolution mechanism through regulatory bodies such as the Financial Conduct Authority (FCA), which oversees corporate compliance and enforces penalties for misleading corporate disclosures. The legal framework in England also supports alternative dispute resolution (ADR) mechanisms, including arbitration and mediation, which offer third parties more expedient avenues for addressing grievances related to corporate formation violations (Reisberg & Donovan, 2018). This distinction underscores the broader differences between the two legal systems: Iranian corporate law prioritizes state-driven enforcement, whereas English corporate law favors market-driven regulatory oversight with judicial intervention as a secondary measure (Lowry & Reisberg, 2012).

Another key difference between Iranian and English corporate law is the extent of liability imposed on company founders for regulatory breaches. Iranian law maintains a strict liability approach, holding company founders and directors personally accountable for procedural violations, even in cases where third-party harm is minimal. Article 273 of the Revised Commercial Code explicitly states that founders who fail to comply with company registration requirements are liable for damages incurred by third parties due to their non-compliance (Pasban, 2021). English law, on the other hand, incorporates a more nuanced approach, wherein liability is contingent upon the extent of the founder's involvement in

fraudulent or negligent misrepresentation. Under the Companies Act 2006, directors and company officers can be held personally liable only if they intentionally mislead third parties or engage in fraudulent business practices (Shepherd & Ridley, 2015). This distinction reflects the broader legal philosophies underlying the two jurisdictions: Iranian corporate law enforces strict regulatory compliance as a means of protecting third-party interests, whereas English corporate law balances accountability with the principle of limited liability, ensuring that corporate directors are not unduly burdened by legal repercussions unless their actions are demonstrably fraudulent (Wild, 2019).

In conclusion, the protection of third-party rights in cases of violations of corporate formation regulations reveals fundamental differences between Iranian and English legal frameworks. Iranian law prioritizes state intervention and judicial enforcement, imposing stringent sanctions on company founders to ensure compliance with corporate registration requirements. This approach, while effective in deterring fraudulent formations, lacks flexibility and can create legal uncertainties for third parties engaging with defective corporate entities. English law, by contrast, implements a regulatory framework that emphasizes transparency, corrective measures, and market-driven oversight, thereby minimizing legal disruptions for third-party stakeholders. The Companies Act 2006 reflects a modernized corporate governance model, where procedural compliance is enforced through statutory regulations rather than judicial nullification. While both legal systems aim to protect third-party rights, the comparative analysis suggests that English corporate law offers a more pragmatic approach by incorporating alternative dispute resolution mechanisms and regulatory oversight, ensuring that third-party interests are safeguarded without unnecessarily disrupting corporate activities.

## References

- Dignam, A., & Lowry, J. (2012). *Company Law*. Oxford University Press.
- Ebadi, M. A. (2022). *Commercial LawED - Forty-First Edition*. Ganj Danesh.
- Eisai Tafreshi, D. M. (2021). *Analytical Discussions on Commercial Companies Law, Volume IIED - Fourth Edition*. Tarbiat Modares University.
- Eskini, R. (2019). *Commercial Law of Commercial Companies, Volume II*. Samt.
- French, D. (2019). *Mayson, French & Ryan on Company Law*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/he/9780198841517.001.0001>
- Hannigan, B. (2012). *Company law*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/he/9780199608027.001.0001>
- Hasanzadeh, B. (2020). "Jurisprudence and Review of the Legal System Governing Company Registration,". *Quarterly Journal of Legal Research*, 19(41).
- Hudson, A. (2017). *Understanding Company Law*. Taylor & Francis. <https://doi.org/10.4324/9781315158099>
- Kaviani, K. (2018). *Commercial Companies Law*. Mizan.
- Len, S., & Worthington, S. (2014). *Cases and Materials in company*. Oxford University Press. <https://doi.org/10.1093/he/9780199676446.001.0001>
- Lowry, J., & Reisberg, A. (2012). *Pettet's Company Law Company Law and Corporate Finance*. Pearson Education.
- McLaughlin, S. (2013). *Unlocking company law*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9780203779071>
- Pakdaman, R. (2010). *Commercial Companies Law (Explanation and Critique of Regulations Governing Public and Private Joint Stock Companies with Limited Liability, Cooperative, Joint, Governmental, and Foreign Companies)*. Khorsandi.
- Pasban, M., & Milani, J. (2023). "The Position of the General Department of Registration of Companies and Non-Commercial Institutions in Giving Identity and Consolidating the Personality of Legal Entities,". *Quarterly Journal of Research and Development in Comparative Law*, 6(18).
- Pasban, M. R. (2021). *Commercial Companies Law*. Samt.
- Pillans, B., & Bourne, N. (2012). *Scottish Company Law*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781843140108>
- Reisberg, A., & Donovan, A. (2018). *Pettet, Lowry & Reisberg's Company Law*. Pearson.
- Saghri, D. M. (2022). *Commercial Law of Companies*. Majd.
- Shepherd, C., & Ridley, A. (2015). *Company Law*. Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315760964>
- Soltani, D. M. (2021). *Capital Market Law*. Samt and Shahid Beheshti University.
- Sotoudeh Tehrani, H. (1995). *Commercial Law, Volume I*. Dadgostar Publishing.
- Wild, C. (2019). *Smith & Keenan's Company Law*. Pearson.